

فیلم‌های «امروز»، «هممان داریم»، «هن و زیبا» و «بیست» فیلم‌های ضعیف‌او هستند.

● پرویز پرستویی تیپ‌سازی را در نقش خوب بلد است و قطعاً داشتن سابقه تئاتری، در توانایی انتقال حسی او غیرقابل انکار است. در حوزه تئاتر او یکی از بهترین‌ها در مقوله بازی با بدن است. وقتی از این زاویه کارهایش را نگاه می‌کنیم، می‌توانیم به سه فیلمی که با بدن دیالوگ می‌گوید اشاره کنیم: «مارمولک»، «لیلی با من است»، «بید مجنون» و این بازی با بدن که یکی از ملاک‌های شاخص بازی پرستویی است، قطعاً به ریشه تئاتری او برمی‌گردد.

همه چیز زیر سایه «آژانس شیشه‌ای»

فیلم‌های جدی پرستویی بیشتر زیر سایه «آژانس شیشه‌ای» است و کاراکترهایی که بازی می‌کند، رنگ و بویی از حاج کاظم «آژانس شیشه‌ای» دارند. مثلاً در «روبان قرمز» نه مانند‌های از حاج کاظم می‌بینیم و این اتفاق به‌طور پرنرنگ‌تر در «موج مرده» می‌افتد. پرستویی در فیلمی هم به نام «دیوانه‌ای از قفس پرده» بازی کرده که در مورد کسی است که به جنگ رفته و همه این‌ها تحت تاثیر «آژانس شیشه‌ای» است. کمی جلوتر می‌توانیم به «پاداش سکوت» و «به نام پدر» اشاره کنیم که شبیه‌ترین فیلم‌هایش به «آژانس شیشه‌ای» هستند و کاراکترهایش اثری از حاج کاظم دارند. ما در همان دهه همچنان می‌چرخیم اما می‌توانیم بگوییم اگر متن خوبی به او می‌رسید، این نقش‌های تکراری را نمی‌دیدیم. همه این‌ها به متن و کارگردان‌هایی برمی‌گردد که می‌خواستند آن تجربه موفق را تکرار کنند. در بین کارهای او حتی یک فیلم به نام «عشق شیشه‌ای» وجود دارد که خودش هم آن را نمی‌پسندد. نام این فیلم چندبار هم عوض شده است و عوامل آن می‌گویند به خاطر «آژانس شیشه‌ای» اسم این فیلم را «عشق شیشه‌ای» بگذاریم تا تماشاگر بیاید و فیلم را ببیند!

● بعد از «آژانس شیشه‌ای» می‌توان این را حس کرد که خود او هم دوست نداشته کلیشه شود. مثلاً بازی در نقش کاراکتر «مشرقی» در فیلم فریدون جیرانی، آن هم دو سال بعد از «آژانس شیشه‌ای» خیلی ریسک بود، ولی پیشنهادات و فضای سینما به آن سمت رفت.

● در خصوص فیلم «بادیگارد» باید گفت که کنار هم قرار گرفتن پرستویی و زوج فیلمسازی‌اش یعنی ابراهیم حاتمی‌کیا بود که بیشتر آن را مطرح و برجسته کرد. در همین شرایط فعلی هم که پرستویی درگیر فضای مجازی و اتفاقات پیرامونی است، هنوز حاتمی‌کیاست که به خاطر ارتباطی که بین آن‌ها برقرار است، می‌تواند بهترین بازی‌ها را در فیلم‌هایش از پرستویی بگیرد. بهتر است بگوییم شناخت آن دو نفر از همدیگر می‌تواند روی کار او تاثیر بگذارد و در واقع در بین تمام آن‌هایی که با پرستویی کار کرده‌اند، حاتمی‌کیا بهترین تعامل را با پرستویی داشته است.



طنز یا جدی؟

من می‌گویم به جای این که بگوییم پرویز پرستویی در چه ژانری خوب است، بگوییم با کدام کارگردان موفق‌تر عمل می‌کند؟ برای مثال او با رضا میرکریمی در فیلم «امروز» همکاری کرده اما نه بازی وی در این فیلم بیننده را به همذات‌پنداری وامی‌دارد و نه این فیلم از آثار خوب میرکریمی است.

آژانس شیشه‌ای بدون پرستویی؟ هرگز!

ممکن است این بحث پیش بیاید که پرستویی در فیلم‌های کم‌موفق‌تر است، اما در میان فیلم‌های جدی او برای مثال آیا می‌توان «آژانس شیشه‌ای» را بدون پرویز پرستویی تصور کرد؟! خیر. پس می‌توانیم بگوییم که او با بازیگری مستعد و با فاصله قابل توجهی از بازیگران پیشرو سینمای ما است. این پیشرو بودن از نظر ابعاد هنری فیلم‌هایی که او خصوصاً تا قبل از دهه ۸۰ در آن‌ها بازی کرده مشهود است. کارنامه کاری او به لحاظ ابعاد هنری و جامعه‌شناسانه با هیچ کدام از بازیگرهای دیگر قابل مقایسه نیست. مثلاً در «لیلی با من است» او در اثری حضور پیدا کرده که در حوزه جنگ شوخی می‌کند و از این جهت فیلم تابوشکنی است. «مرد عوضی» را می‌توان مثالی دیگر برای این موضوع دانست زیرا در آن شوخی‌هایی مطرح می‌شود که قبلاً در سینما نبود و به نوعی خط قرمز محسوب می‌شد. بعد از «مرد عوضی» به «آژانس شیشه‌ای» می‌رسیم که یک شاه‌نقش در کارنامه کاری او به حساب می‌آید. همچنین می‌توانیم به «آب و آتش» اشاره کنیم که کار ناموفقی است و فریدون جیرانی آن را ساخته اما به لحاظ محتوا تابوشکنی کرده است، چون برای اولین بار در سینمای ایران به موضوع زنان خیابانی پرداخته است. سپس به «مارمولک» می‌رسیم که در آثار کم‌مندی او نقش خیلی مهمی دارد. بعد از «مارمولک» در «بید مجنون» از مزجید مجیدی جنبه‌های دیده نشده بازی پرستویی را می‌بینیم. بعد هم «صد سال به این سال‌ها» و «کتاب قانون» تولید می‌شود که در نیمه دوم دهه ۸۰ در بحث ریاضی و تقابلش با اسلام واقعی و زاویه نگاه فیلمساز جزو فیلم‌های مهم است. فیلم «خرس» هم هست که توقیف است اما پرستویی در آن بازی خیلی خوبی ارائه کرده است.

حتی پرویز پرستویی نیست؛ اما در این دهه میان فیلم‌های موفق آن‌ها جای می‌گیرد.

کاش پرستویی با متن‌های بهتر روبه‌رو بود

متن در فیلم‌های این بازیگر مثل هر بازیگر دیگری خیلی مهم است. مثلاً در فیلم «صطرب» که الان روی پرده است، می‌توان به این نتیجه رسید که کار از لحاظ سینمایی، از فیلمی مثل «ضدگلوله» ضعیف‌تر است؛ چون متن ضعیف‌تری دارد. ولی به لحاظ مضمون و محتوا، در شرایط فعلی، جزو آثار مهم اوست؛ هر چند که بازی او در این فیلم میان کم‌مندی‌های شاخص کارنامه کاری‌اش قرار نمی‌گیرد که این موضوع هم به فیلمنامه برمی‌گردد. اگر این فیلم متنی قوی داشت، می‌توانستیم شاهد درخشش او باشیم اما متأسفانه متن ضعیف است؛ مثل فیلم «لس آنجلس - تهران» که آن هم دچار همین مشکل بود. در ظاهر فیلم طنز می‌بینیم، اما متن کار به قدری ضعیف و در سطح پایین است که خود پرستویی هم مورد اعتراض قرار گرفت که چرا در چنین فیلمی بازی کرده است. در کل چون تعداد کارهای طنز موفق در کارنامه کاری پرستویی بیشتر بوده است، نمی‌توان با قاطعیت گفت که او کم‌دین‌تر است، چرا که فیلمساز نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در خوب شدن یا نشدن یک فیلم دارد.

ورودی جهت به مسائل فرامتنی

درباره «قاتل اهلی» اگر بخوایم نقدی به حضور پرویز پرستویی در این فیلم داشته باشیم، این است که هر وقت هنرمندان ما چه فیلمساز و چه بازیگر وارد مسائل سیاسی می‌شوند، تمرکز آن‌ها از بین می‌رود. من فکر می‌کنم نقدی که به او در این یک دهه آخر وارد است و به نظر من خیلی تاثیرگذار بوده، نه بازی‌های پرستویی، بلکه ورود او به مسائل فرامتنی هنر و سیاست و اجتماع است. مثلاً او راجع به مسائلی از مشکلات روز گرفته تا شبکه سه و هر موضوع دیگری نظر می‌دهد. حمید فرخ‌زاد هم نمونه دیگری است که از وقتی وارد فضاهای مجازی شد، چنان سقوط کرد که وضعیت بدتر از پرویز پرستویی پیدا کرد.

● پرویز پرستویی در دهه ۹۰، خاصه در بازه سال‌های ۹۰ تا ۹۳ چند فیلم دارد که فیلم‌های بدی هستند و خود او هم از آن‌ها راضی نیست. آثاری مانند «بوفالو» که حیرت‌انگیز بود و نمی‌دانم چطور آن را انتخاب کرده است و «بیداری برای سه روز». در نهایت فکر می‌کنم او قصد داشته به کارگردان این فیلم‌ها کمک کند. به زعم من



انتخاب‌های

پرستویی در این ۱۰ سال بعد از فیلم «کتاب قانون» افت داشته و در این سال‌ها بهترین نقش‌ها او «بادیگارد» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیاست. وقتی این فیلم را با فیلم‌های دیگر حاتمی‌کیا در می‌یابیم که جزو کارهای شاخص کارنامه خود ابراهیم حاتمی‌کیا و حتی پرویز پرستویی نیست؛ اما در این دهه میان فیلم‌های موفق آن‌ها جای می‌گیرد

